

تبیین مفهوم «فتح» بر اساس تحلیل مضمون سوره فتح

علیرضا ایمانی^۱، فاطمه رحیمی^{۲*}، علی صفری^۳

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۱۶

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵

چکیده

سوره فتح از سور مدنی قرآن کریم، حول محور رویداد صلح حدیبیه و توصیف آن با عنوان «فَتْحاً مُبِیْنًا» شکل گرفته است. نسبت میان این رویداد و برداشت رایج از «فتح» به عنوان پیروزی نظامی از جمله مسائل این سوره است که پاسخ به آن، مستلزم بررسی ساختار معنایی سوره و نظام روابط میان مضامین آن بوده است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین مفهوم «فتح»، به شناسایی مضامین این سوره و کشف ارتباط میان آن‌ها پرداخته و به این پرسش پاسخ می‌دهد که مفهوم «فتح» در سوره مبارکه فتح چگونه تبیین شده است. بدین منظور، از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون بازتابی (تماتیک) براون-کلارک با کدگذاری اکتشافی و بدون چارچوب از پیش تعیین شده، استفاده شده است. در نتیجه تحلیل داده‌ها، ۷۸ مضمون پایه در قالب ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده تجمیع شدند و در نهایت ۴ مضمون فراگیر استخراج گردید: «نظام الهی در تحقق فتح»، «نقش و جایگاه پیامبر (ص) در زمینه‌سازی فتح»، «آزمون ایمان در مسیر شکل‌گیری فتح» و «سرانجام جبهه حق و باطل در فتح». تلفیق این مضامین نشان می‌دهد که سوره فتح، مفهوم «فتح» را به مثابه سنت الهی تربیت و تمایز مؤمنان از مخالفان معرفی می‌کند؛ سنتی که در چارچوب یک فرآیند بوده و اراده الهی، رسالت نبوی، آزمون‌های ایمانی و داوری میان جبهه‌ها، هر یک وجهی از آن را می‌سازد و در مجموع، جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد که از درون، پالایش شده و همراه با پیامبر (ص)، به فتح حقیقی رهنمون می‌شود.

واژگان کلیدی: سوره فتح، تحلیل مضمون، مفهوم فتح، سنت الهی، صلح حدیبیه

۱- مقدمه

۱-۱- تعریف مسأله

سوره فتح، سوره چهل و هشتم قرآن کریم، یکی از سوره‌های مدنی است که به اتفاق اکثر مفسران، پس از واقعه صلح حدیبیه در سال ششم هجری نازل شده است (برای نمونه ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۳: ۴۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۳۱۲ و ۳۱۳؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸: ۶۵؛ طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۹: ۱۶۶؛ طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۸: ۲۵۱ و ۲۵۲). این سوره، نه تنها یک گزارش تاریخی از یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ اسلام، بلکه یک منشور الهی است که اصول بنیادین پیروزی، شکست، ایمان، نفاق و تشکیل جامعه خالص و استوار را تبیین می‌کند. خداوند در آغاز این سوره، پیامبر را خطاب قرار داده و از «فتح مبین» سخن می‌گوید:

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾ (فتح/۱).

این تعبیر، در کنار مضامین آیات پس از آن، نشان‌دهنده جایگاه محوری مفهوم «فتح» در ساختار معنایی سوره است؛ مفهومی که در این سوره با اموری چون مغفرت، اتمام نعمت، هدایت، نصرت الهی و تقویت جایگاه مؤمنان پیوند خورده است (فتح/۲-۴). از این‌رو، مفهوم «فتح» در سوره فتح را نمی‌توان صرفاً در چارچوب غلبه مادی یا پیروزی نظامی فهم کرد، بلکه بررسی سیاق سوره نشان می‌دهد که این مفهوم با مجموعه‌ای از آثار و دستاوردهای معنوی و اجتماعی نیز همراه است.

اهمیت این سوره تا حدی است که رهبر شهید جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، خواندن آن را برای پیروزی جبهه مقاومت توصیه کرده‌اند که نشان از کارآمدی این الگوی معنوی در دوران حاضر دارد (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۳). بر این اساس، به‌کارگیری روش تحلیل مضمون در بررسی سوره فتح می‌تواند در کنار تفاسیر و مطالعات ساختاری پیشین، با کدگذاری نظام‌مند، به شناسایی و دسته‌بندی منظم مضامین و مفاهیم اصلی سوره و بررسی ارتباط میان آن‌ها، کمک کند. در حقیقت، این روش با تمرکز بر الگوی مضامین تکرارشونده در سراسر سوره و پیوندهای معنایی میان آیات، امکان ارائه

تصویری منسجم از ارتباط مضامین سوره را فراهم می‌سازد و از این طریق می‌تواند یافته‌های تفسیری پیشین را، از زاویه‌ای متفاوت و مکمل، با رویکردی روشمند، بازخوانی کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون و با رویکردی استقرایی، درصدد شناسایی و سازمان‌دهی مضامین سوره فتح و تبیین روابط میان آن‌هاست تا از این طریق، به ابعاد و مؤلفه‌های مفهوم «فتح» در این سوره دست یابد. در این راستا، مسئله اصلی پژوهش آن است که «مفهوم «فتح» در سوره مبارکه فتح چگونه تبیین شده است؟».

۲-۱- سؤالات پژوهش

این مسئله را می‌توان در قالب پرسش‌های فرعی زیر صورت‌بندی کرد:

۱- چه مضامینی در سوره فتح وجود دارد؟

۲- این مضامین چه ارتباط معنایی با یکدیگر دارند؟

۳- مفهوم «فتح» بر اساس ارتباط این مضامین، چگونه تبیین می‌شود؟

بدین منظور، در ادامه پس از مرور پیشینه پژوهش و تبیین روش تحقیق، مفهوم‌شناسی فتح و بررسی سیر محتوایی سوره فتح به عنوان مبانی نظری پژوهش، انجام می‌گیرد. بعد از آن در بخش یافته‌های پژوهش، مضامین سوره، استخراج و کدگذاری شده و سپس تحلیل این مضامین، ارائه خواهد شد.

۳-۱- پیشینه پژوهش

سوره فتح به دلیل جایگاه تاریخی و کلامی برجسته‌اش، همواره موردتوجه مفسران و پژوهشگران بوده است. تفاسیر به‌طور گسترده به شأن نزول، تفسیر لغوی و روایی و دیگر ابعاد تفسیری آیات این سوره پرداخته‌اند. همچنین در دوران معاصر نیز پژوهش‌های آکادمیک متعددی از زوایای گوناگون، این سوره را بررسی کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در حوزه‌های زیر دسته‌بندی کرد:

۱- پژوهش‌های تفسیر ساختاری

در این حوزه، زارع زردینی، صحرایی اردکانی و جنتی فیروزآبادی، در پژوهش «ساختارشناسی سوره مبارکه فتح در پرتو بلاغت سامی با تأکید بر تقسیم قرآن به ۵۵۵ واحد موضوعی (رکوعات)» (۱۴۰۰)، با تمرکز بر ساختار و چینش واحدهای موضوعی سوره، درصدد نشان دادن انسجام ساختاری آن بوده‌اند. نتیجه این پژوهش، سوره فتح را دارای ساختاری منسجم و قابل تقسیم به واحدهای موضوعی مرتبط می‌داند. تیموری، آرام و رضوی نیز، در «گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح» (۱۴۰۲)، با تکیه بر رویکرد وحدت سوره، ساختار سوره را بررسی کرده و بر پیوستگی اجزای آن و نقش مؤثر ساختار کلی در فهم سوره، تأکید کرده‌اند.

همچنین محمدزاده شهرآبادی و زرسازان، در پژوهش «غرض سوره فتح با تأکید بر تحلیل واژگان کلیدی سوره» (۱۴۰۰)، با بررسی واژگان پربسامد، همنشینی واژگان و سیاق، در پی کشف غرض اصلی سوره بوده و در نهایت، آن را «نشان دادن راهبردهای کلیدی جهت اعتلای دین اسلام با محوریت صلح» دانسته‌اند. بنابراین، اگرچه این مطالعات، ارتباط آیات، ساختار کلی و غرض سوره فتح را از منظرهای مختلف بررسی کرده‌اند، اما هدف آن‌ها استخراج و سازمان‌دهی مجموعه مضامین سوره و بررسی نقش و ارتباط این مضامین در تبیین مفهوم «فتح» نبوده است.

۲- پژوهش‌های معناشناختی

در این زمینه، محمدزاده شهرآبادی و همکاران در پژوهش «معناشناسی واژه «فتح» با تأکید بر سوره «الفتح»» (۱۳۹۹)، به‌طور مستقیم مفهوم «فتح» را بررسی کرده‌اند و از این جهت، نزدیک‌ترین پژوهش به مقاله حاضر به شمار می‌آید. با این حال، تمرکز پژوهش مذکور بر معناشناسی واژه «فتح» است، در حالیکه این پژوهش، مفهوم «فتح» را در ارتباط با مجموعه مضامین سوره و روابط میان آن‌ها بررسی می‌کند. از این‌رو، تفاوت اصلی این دو پژوهش در

سطح تحلیل است؛ پژوهش معناشناختی، بر خود واژه و دلالت‌های معنایی آن تمرکز دارد، اما پژوهش حاضر می‌کوشد از طریق استخراج مضامین کل سوره و بررسی روابط میان مضامین مرتبط، چگونگی تبیین مفهوم «فتح» را در بافت کلی، نشان دهد.

۳- پژوهش‌های ناظر به تأویل‌های سوره

نریمانی و فیروزمندی بندپی، در پژوهش «بازخوانی پیام و دلالت سوره فتح و ارتباط آن با ولایت امیرالمؤمنین» (۱۴۰۱)، با رویکردی ناظر به دلالت‌های تأویلی، پیام سوره را در ارتباط با مسئله ولایت امیرالمؤمنین (ع) بازخوانی کرده‌اند. بر این اساس، این پژوهش از نظر موضوع و رویکرد، با پژوهش حاضر تفاوت دارد و ناظر به مضامین سوره و تبیین مفهوم «فتح» بر اساس روابط میان آن‌ها نیست.

در کنار این مطالعات، شماری از پژوهش‌های قرآنی نیز از روش تحلیل مضمون برای بررسی سوره‌های دیگر استفاده کرده‌اند؛ از جمله:

«آسیب‌شناسی دوستی با کفار در جامعه اسلامی و راه‌های برون‌رفت آن بر اساس سوره ممتحنه با روش تحلیل مضمون» (۱۴۰۰)، نوشته ملاشفیعی، بهجت‌پور و ناصحی؛ «تحلیل موضوعی- مضمونی معاهدات در سوره توبه» (۱۴۰۰)، نوشته بختیاری؛ «مؤلفه‌های همبستگی اجتماعی با تأکید بر تحلیل مضمون سوره آل عمران» (۱۴۰۱)، نگارش محمص و میروکیلی؛

«ترسیم شبکه مضامین و تناسب آیات سوره عنکبوت با استفاده از روش تحلیل مضمون» (۱۴۰۲)، از عترت‌دوست و امیری‌فر؛

«کاربست روش تحلیل مضمون برای فهم موضوعات قرآنی در فرهنگ اسلامی (مطالعه موردی شبکه مضامین سوره انبیاء)» (۱۴۰۲)، تألیف عترت‌دوست و زاهد.

این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تحلیل مضمون می‌تواند برای استخراج و سازمان‌دهی مضامین سور قرآن و بررسی ارتباط میان این مضامین، به کار گرفته شود؛ با این حال،

هیچیک از این پژوهش‌ها سوره فتح را با این روش بررسی نکرده و در نتیجه، مفهوم «فتح» را نیز از طریق شبکه مضامین این سوره تبیین ننموده‌اند.

بر این اساس، با توجه به مطالعات پیشین، می‌توان گفت اگرچه یافته‌های پژوهش حاضر در تداوم روش پژوهش‌های پیشین در حوزه تحلیل مضمون سور قرآنی (نظیر پژوهش‌های انجام‌شده درباره سوره‌های ممتحنه، توبه، آل عمران، عنکبوت و انبیاء) و تکمیل پژوهش‌های ناظر به سوره فتح قرار می‌گیرد، اما مسئله پژوهش حاضر، نه کشف اصل انسجام و غرض سوره و نه صرفاً تعیین معنای واژه «فتح» است؛ زیرا هریک از این ابعاد، در پژوهش‌های مذکور، مورد توجه قرار گرفته‌اند. لذا وجه تمایز پژوهش حاضر آن است که مضامین سوره فتح را، به‌عنوان یک مجموعه به‌هم‌پیوسته بررسی می‌کند تا مشخص شود، این مضامین چگونه سازمان می‌یابند و این مضامین و روابط میان آن‌ها چگونه به تبیین مفهوم «فتح» کمک می‌کند. از این‌رو، این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، ضمن اتخاذ رویکرد استقرایی و بدون استفاده از چارچوب کدگذاری از پیش تعیین‌شده، درصدد است ابتدا مضامین سوره فتح را شناسایی و سازمان‌دهی کند و سپس روابط میان آن‌ها و ارتباطشان با مفهوم فتح را بررسی نماید. در نهایت نیز، بر اساس این ارتباط مضامین، مفهوم فتح در این سوره را تبیین کند.

۲- روش پژوهش

۲-۱- تحلیل مضمون

تحلیل مضمون، روشی نظام‌مند برای شناسایی، سازمان‌دهی و تفسیر الگوهای معنایی (مضامین) موجود در داده‌هاست که امکان کشف ساختارهای مفهومی نهفته در متن را فراهم می‌سازد (Braun & Clarke, 2006: p. 79). در این روش، مضامین در داده‌ها نهفته نیستند، بلکه در جریان تحلیل و تفسیر نظام‌مند داده‌ها توسط پژوهشگر و در پرتوی دانش و پیش‌فرض‌های او، شکل می‌گیرند (Braun & Clarke, 2022: p. 8).

بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون بازتابی (تماتیک)^[۱] براون^[۲] و کلارک^[۳] انجام گرفته است. در عین حال، برای نمایش سلسله‌مراتبی و روشن‌تر روابط میان کدها و مضامین، از چارچوب دسته‌بندی مضامین آتراید استرلینگ^[۴] (2001) با سه سطح مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر، استفاده شده است. در الگوی براون و کلارک، فرآیند تحلیل به‌جای پیروی از یک روند خطی، به‌صورت تکرارشونده و بازگشتی در شش مرحله انجام می‌شود:

(۱) آشنایی با مجموعه داده‌ها

(۲) کدگذاری نظام‌مند

(۳) تولید مضامین

(۴) توسعه و بازبینی مضامین

(۵) پالایش و تعریف مضامین

(۶) نگارش گزارش نهایی

۲-۲- روند اجرای روش

با توجه به هدف این پژوهش، رویکرد اکتشافی- استقرایی برای شناسایی مضامین سوره فتح و کشف ارتباط میان آن‌ها، انتخاب شده است. بر این اساس، استخراج و شکل‌گیری مضامین بر اساس داده‌های متن انجام گرفته و هیچ چارچوب مفهومی از پیش تعیین‌شده‌ای، بر فرآیند تحلیل، تطبیق داده نشده است. بدین ترتیب، مضامین و ارتباط میان آن‌ها از خود متن سوره، شناسایی و ترسیم می‌گردند.

فرآیند این تحلیل، با مطالعه مکرر متن سوره فتح، آغاز شده است. واحد تحلیل در این پژوهش «گزاره معنایی» است. منظور از گزاره معنایی، جمله یا بخشی از یک آیه است که معنایی مستقل و قابل تشخیص را منتقل می‌کند و می‌تواند به‌عنوان یک واحد در فرآیند کدگذاری مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین، یک آیه ممکن است بر اساس تعداد

معانی مستقل موجود در آن، به یک یا چند گزاره معنایی، تقسیم شده باشد. با این حال، گزاره‌های معنایی از بافت اصلی آیه جدا نمی‌شوند. به این معنا که در تعیین و کدگذاری هر گزاره، ساختار نحوی جمله، ارتباط آن با اجزای دیگر آیه و نقش آن در معنای کلی آیه، مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، هر گزاره در پیوند با آیات پیشین و پسین و در چارچوب سیاق سوره بررسی می‌شود. بنابراین، تفکیک آیه به گزاره‌های معنایی، صرفاً برای تسهیل و دقت در فرآیند کدگذاری است و به معنای مستقل دانستن گزاره‌ها از ساختار نحوی و سیاقی آیه و سوره نمی‌باشد.

سپس واحدهای معنایی متن، شناسایی و کدهای اولیه از آیات سوره، استخراج شده است. در گام بعد، کدهای هم‌معنا یا نزدیک به هم، در قالب مضامین پایه دسته‌بندی شده‌اند. در فرآیند استخراج مضامین پایه، چنانچه میان معنای لفظی آیه و مقصود تفسیری آن تفاوتی مشاهده شده، تفسیر المیزان (طباطبائی، ۱۳۹۳) به جهت رویکرد استدلال محور، توجه به سیاق آیات و جامعیت بر آراء تفسیری، به‌عنوان مبنای فهم مراد آیه مورد استفاده قرار گرفته است؛ منظور از معنای لفظی، معنایی است که از الفاظ و ساختار زبانی آیه در پیوند با سیاق آن به دست می‌آید و مقصود تفسیری، معنایی است که مفسر با توجه به قرائن تفسیری، سیاق، ارتباط آیات و دیگر شواهد تفسیری از آیه ارائه می‌کند. با این حال نکات تفسیری این منبع، به‌عنوان بخشی از داده‌های اصلی پژوهش یا چارچوبی از پیش تعیین‌شده برای استخراج مضامین، تلقی نشده و محور تحلیل مضمون در این پژوهش، نص صریح آیات بوده است. بر این اساس، مراجعه به تفسیر المیزان، تنها در مواردی انجام شده که فهم معنای آیه، تشخیص ارتباط معنایی آن یا رفع ابهام در کدگذاری، نیازمند توضیح تفسیری بوده است. همچنین، به‌منظور حفظ پیوندهای نحوی و سیاقی آیات در فرآیند تفکیک مضامین، برداشت‌های انجام‌شده با تفسیر المیزان تطبیق داده شده است تا پیوند معنایی آیات در جریان کدگذاری حفظ شود. شایان توجه است که متن اصلی تحلیل مضمون در این پژوهش، نه نکات تفسیری المیزان، بلکه همان نص صریح آیات است.

پس از آن، با بررسی روابط مفهومی میان مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده شکل گرفته‌اند. سپس، از طریق یکپارچه‌سازی مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر، مشخص گشته و جدول مضامین، ترسیم شده است. در نهایت با تحلیل رابطه مضامین این سه دسته، ارتباط میان مضامین سوره، کشف و تبیین شده و یافته‌های حاصل، در موارد لازم، با استناد به تفاسیر مختلف، تقویت گشته‌اند.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- مفهوم‌شناسی «فتح»

از نظر لغوی، ریشه «فتح» در زبان عربی به معنای «گشودن» و «باز کردن»، نقیض بستن (إغلاق) است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۹۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۵۳۶). در واقع، این ریشه بر از میان برداشتن بستگی و هرگونه دشواری دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۴۶۹). این گشودن می‌تواند مادی (مانند گشودن در) یا معنوی (مانند رفع اندوه) باشد؛ چنانکه از مشتقات آن، «مفتاح» به معنای کلید و «فتاح» به معنای داور و بسیار گشاینده است، زیرا داور و حاکم با حکم خود، امور بسته را می‌گشاید (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۵۳۷).

بررسی کاربردهای این واژه در قرآن نیز، نشان می‌دهد که این واژه در قرآن در معانی مادی همچون گشودن در، قفل یا کالا (یوسف/۶۵؛ حجر/۱۴) و ناظر به امور معنوی مانند گشایش و نزول رحمت الهی (فاطر/۲؛ انعام/۴۴؛ اعراف/۹۶)، آشکارکردن حقایق و معارف (فتح/۱-۳؛ بقره/۷۶)؛ از جمله داوری و فصل خصومت میان حق و باطل (اعراف/۸۹؛ سجده/۲۸-۲۹)، نصرت و پیروزی الهی (نصر/۱؛ صف/۱۳) به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۱ و ۶۲۲).

بنابراین، اگرچه همه این کاربردها در معنای بنیادین «گشودن» مشترکند، اما مصداق و نحوه تحقق این گشایش، تابع سیاق و بافت معنایی هر آیه است. از این رو، «فتح» در

کاربردهای قرآنی، تنها به گشودن مادی یا پیروزی نظامی محدود نیست، بلکه تعیین مفهوم آن در هر سوره، نیازمند توجه به سیاق، ساختار معنایی و ارتباط آیات همان سوره است.

۳-۲- سیر محتوایی سوره فتح

سوره فتح، چهل و هشتمین سوره قرآن بوده و از سوره‌های مدنی است (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۹۴؛ طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۸: ۲۵۱). سوره فتح با بشارتی صریح و قاطع آغاز می‌شود؛ خداوند بدون هیچ مقدمه‌ای از فتحی آشکار و قطعی خبر می‌دهد و این وعده را بر پایه علم و حکمت خود بنا می‌نهد. در ادامه، این پیروزی را، نه رویدادی تصادفی بلکه بازتابی از سنت‌های ثابت و همیشگی خود معرفی می‌کند. همچنین این بخش با یادآوری مکرر صفات خداوند، فضایی می‌سازد که در آن، فتح، به عنوان تجلی مستقیم قدرت الهی جلوه می‌کند.

از این نقطه، توجه سوره به شخص پیامبر (ص) به عنوان زمینه‌ساز فتح، منتقل می‌شود و خداوند از حمایت ویژه خود نسبت به ایشان سخن می‌گوید. سپس ابعاد رسالت آن حضرت، تصویر می‌گردد. در پیوند با نقش ایشان، تصویری از امت مؤمن همراهشان ترسیم می‌شود؛ گروهی که پیش‌تر در کتاب‌های آسمانی دیگر نیز به ویژگی‌های آنان، اشاره شده بود.

سوره، سپس وارد مرحله‌ای می‌شود که می‌توان آن را آزمون عملی ایمان نامید. نخست بیعت مؤمنان با پیامبر مطرح می‌شود، بیعتی که در حقیقت پیمانی با خود خداوند تلقی می‌گردد و صداقت یا نقض آن، سرنوشت متفاوتی برای افراد رقم می‌زند. در ادامه، ماجرای کسانی بازگو می‌شود که از همراهی در جهاد سر باز زدند و به بهانه‌های گوناگون متوسل شدند. در برابر این گروه، به معذورانی اشاره می‌شود که از این تکلیف مستثنا گشتند و در پایان این بخش، معیارهایی روشن برای سنجش ایمان راستین بیان می‌گردد که محور آن، اطاعت از خدا و پیامبر است.

در پایان، سوره دو سرانجام متفاوت را مقابل هم قرار می‌دهد. از یک سو، رفتار کافران توصیف می‌شود که مؤمنان را از ورود به مسجدالحرام بازداشتند و لجاجتی جاهلانه در دل داشتند. از سوی دیگر، سرنوشت مؤمنان ترسیم می‌شود؛ آرامشی که خداوند در

دل‌هایشان نشاند و ایمانشان را استوارتر ساخت، وعده‌های پیاپی بهشت و آمرزش و بشارت به غنیمت‌هایی که هم در آن زمان و هم در آینده نصیبشان خواهد شد. در تقابل با این سرانجام روشن، عاقبت منافقان و مشرکان نیز بیان می‌شود؛ گمان بدی که نسبت به خداوند و پیامبرش داشتند، ریشه خشم الهی و هلاکتشان شد. سوره، در نهایت با وعده آمرزش و پاداش بزرگ به مؤمنان صالح، به پایان می‌رسد.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- کدگذاری توصیفی مضامین سوره فتح

تحلیل آیه به آیه متن کامل سوره فتح، منجر به استخراج ۷۸ مضمون پایه گردید. این مضامین اولیه، پس از بررسی و دسته‌بندی، در قالب ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده تجمیع شدند. در نهایت، با تحلیل روابط میان مضامین سازمان‌دهنده، ۴ مضمون فراگیر شناسایی شد که ساختار معنایی کلان سوره را تشکیل می‌دهند.

جدول (۱)، مضامین پایه این سوره را شامل شده و جدول (۲)، مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر آن را به نمایش می‌گذارد و ارتباط میان آیات سوره و سطوح مختلف مضامین را به صورت شفاف، نشان می‌دهد. شایان توجه است که علت تفاوت تعداد مضامین پایه در جدول ۱ و ۲ (وجود ۷۸ مضمون در جدول ۱ و ۷۷ مضمون در جدول ۲)، تکرار مضمون «مالکیت انحصاری خداوند بر سپاهیان آسمان‌ها و زمین» در شماره‌های ۹ و ۱۴ جدول ۱ است که این تکرار، در جدول ۲ به صورت ذکر کلمه «تکرار» در شماره ۱۲ آمده است.

جدول (۱): مضامین پایه سوره فتح

آیه	مضامین پایه
﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾ ﴿۱﴾	۱- بشارت فتح آشکار از جانب خداوند ۲- قطعیت پیروزی

﴿لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ ﴿٢﴾	۳- بیان حکمت و غایت فتح مبین توسط خداوند (ن.ک): طباطبائی، ۱۳۹۳: ج ۱۸: ۲۵۳) ۴- پوشاندن گناهان نسبت داده شده توسط مشرکین به پیامبر ۵- اعلام تکمیل نعمت خداوند بر پیامبر ۶- اعلام هدایت پیامبر توسط خداوند
﴿وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا﴾ ﴿٣﴾	۷- تضمین نصرت عزتمندانه الهی به عنوان حکمت و غایت فتح مبین (ن.ک: همان: ۲۵۴، ۲۵۷ و ۲۵۸)
﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ ﴿٤﴾	۸- نزول آرامش توسط خداوند در قلوب مومنان جهت افزایش ایمان آنان ۹- مالکیت انحصاری خداوند بر سپاهیان آسمانها و زمین ۱۰- ازلی و ابدی بودن علم و حکمت خداوند
﴿لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ قُورًا عَظِيمًا﴾ ﴿٥﴾	۱۱- بهشتی شدن و آمرزش گناهان توسط خداوند به مثابه کامیابی بزرگ
﴿وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ ﴿٦﴾	۱۲- بدگمانی به خدا؛ حکمت عذاب منافقین و مشرکین ۱۳- خشم و لعن خداوند، کیفری برای بدگمانی منافقین و مشرکین
﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ ﴿٧﴾	۱۴- مالکیت انحصاری خداوند بر سپاهیان آسمانها و زمین ۱۵- ازلی و ابدی بودن شکست ناپذیری و حکمت خداوند
﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ ﴿٨﴾	۱۶- تاکید بر شئون پیامبر (شاهد، بشارت دهنده، بیم دهنده) به عنوان رسول
﴿لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَفِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ ﴿٩﴾	۱۷- وظیفه مومنین در قبال خدا و رسول (ایمان به خدا و پیامبر، یاری خداوند، بزرگداشت خداوند، تسبیح صبح و شام خداوند)

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ ﴿۱۰﴾	۱۸- بیعت با پیامبر به مثابه بیعت مستقیم با پروردگار ۱۹- متضرر شدن فرد پیمان شکن ۲۰- بهره مند شدن از پاداش بزرگ برای وفاکننده به عهد
﴿سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ ﴿۱۱﴾	۲۱- خبردهی از بهانه جویی بادیه نشینان عرب (ن.ک: همان: ۲۷۸) ۲۲- درخواست کردن بادیه نشینان برای آمرزش پیامبر ۲۳- اعلام عدم تطابق سخن و نیت قلبی بادیه نشینان ۲۴- انحصار رساندن سود و زیان به افراد توسط خداوند ۲۵- ازلی و ابدی بودن آگاهی خداوند نسبت به اعمال بندگان
﴿بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَ السَّوءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا﴾ ﴿۱۲﴾	۲۶- تبیین خداوند درباره بهانه جویی های متخلفین ۲۷- گمان متخلفین در خصوص کشته شدن پیامبر و مومنین ۲۸- هلاک شدن به علت گمان بد به خدا و رسول
﴿وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا﴾ ﴿۱۳﴾	۲۹- عدم ایمان به خداوند و رسول به منزله ورود به وادی کفر ۳۰- تبیین جایگاه فرد کافر به خدا و رسول ۳۱- تهدید کافران به عذاب شدید
﴿وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ ﴿۱۴﴾	۳۲- اختصاص مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین ۳۳- آمرزش و عذاب بندگان به خواست الهی ۳۴- ازلی و ابدی بودن آمرزش و مهربانی خداوند
﴿سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَقْضُونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ ﴿۱۵﴾	۳۵- خبردهی از بهانه جویی و اعتراض متخلفین به سبب فهم اندک آن ها ۳۶- طمع ورزی به غنائم بدون مشارکت در جهاد ۳۷- متهم کردن مؤمنان به حسادت ۳۸- محرومیت از غنائم اولیه
﴿قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدْعُونَ إِلَى قَوْمِ آبَائِهِمْ أَوْ يُسْلَمُونَ فَإِنْ أَطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ ﴿۱۶﴾	۳۹- اتمام حجت و رفع بهانه جویی از متخلفین توسط خداوند ۴۰- وعده پاداش در صورت اطاعت ۴۱- تهدید به عذاب در صورت تخلف

﴿لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يَْعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ ﴿١٧﴾	۴۲- رفع تکلیف جهاد از معذوران (نابینا، لنگ، بیمار) ۴۳- بهره‌مندی معذوران از پاداش به جهت اطاعت الهی ۴۴- نتیجه پاداش و عقاب در گروی اطاعت از اوامر الهی
﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ ﴿١٨﴾	۴۵- تأکید بر خشنودی خداوند از بیعت‌کنندگان ۴۶- آگاهی خداوند نسبت به صدق نیت مومنان ۴۷- آرامش و پیروزی نزدیک، پاداش خداوند برای بیعت‌کنندگان مخلص
﴿وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ ﴿١٩﴾	۴۸- وعده غنائم فراوان به عنوان پاداش دیگر بیعت‌کنندگان مخلص ۴۹- ازلی و ابدی بودن شکست ناپذیری و حکیم بودن خداوند
﴿وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ ﴿٢٠﴾	۵۰- وعده دادن خداوند مبنی بر کسب غنائم فراوان آینده ۵۱- تعجیل در اعطای غنیمت و بازداشت مردم (دشمنان) از تعرض به مومنان به جهت هدایت آن‌ها
﴿وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾ ﴿٢١﴾	۵۲- بشارت الهی در خصوص دریافت غنیمت‌های دیگر ۵۳- ازلی و ابدی بودن احاطه علم و توانایی خداوند بر همه چیز
﴿وَلَوْ فَائِلُكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْهَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ ﴿٢٢﴾	۵۴- پیشگویی خداوند از کنش رفتاری کفار و عاقبت آن ۵۵- تضمین شکست کافران در صورت وقوع جنگ
﴿سَنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسَنَةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ ﴿٢٣﴾	۵۶- سنت الهی بودن موضوعات پیشین ۵۷- ثبات در سنت‌های الهی و عدم جایگزینی در آن
﴿وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾ ﴿٢٤﴾	۵۸- تحلیل و تشریح نعمت خداوند بر مومنان به عنوان سنت الهی هنگام فتح مکه ۵۹- ازلی و ابدی بودن نظارت الهی به اعمال بندگان

﴿هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَجَلَّهُمْ أَوْ لَوْ أَنَّ رِجَالَ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءَ مُؤْمِنَاتٍ لَمْ يَعْلَمُواهُمْ أَنْ تَطُفُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ ﴿٢٥﴾	۶۰- شرح تاریخی اعمال کفار در مکه (جلوگیری از ورود مؤمنان به مسجدالحرام و انجام قربانی در محل آن) ۶۱- ممانعت الهی از جنگ در مکه برای حفظ مؤمنان پنهان ۶۲- تبیین سنت الهی در خصوص بهره‌مندی از رحمت و چگونگی عذاب کافران
﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ ﴿٢٦﴾	۶۳- تقابل سکینه الهی با تعصب جاهلی ۶۴- بروز حمیت و تعصب جاهلی در دل‌های کفار ۶۵- عنایات پروردگار در نزول آرامش بر پیامبر و مومنان ۶۶- الزام مومنان به تقوا ۶۷- ازلی و ابدی بودن علم خداوند بر همه چیز
﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ ﴿٢٧﴾	۶۸- تصدیق خداوند در قبال رویای پیامبر ۶۹- بیان کیفیت خواب پیامبر ۷۰- ظهور علم الهی در پیروزی نزدیک پیامبر و مومنان (ر.ک: همان: ۲۹۰) ۷۱- پیروزی نزدیک، پاداش خداوند برای پیامبر و مومنان
﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ ﴿٢٨﴾	۷۲- ارسال پیامبر برای هدایت و پیروزی دین حق ۷۳- پیروزشدن اسلام بر همه ادیان به جهت ویژگی‌های رسالت پیامبر ۷۴- کافی بودن شهادت خداوند
﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ ﴿٢٩﴾	۷۵- تشریح سیره رفتاری و اخلاقی پیامبر و یاران‌شان ۷۶- تمثیل تورات از پیامبر و یاران‌شان (ن.ک: همان: ۳۰۰) ۷۷- تمثیل انجیل از پیامبر و یاران‌شان (ن.ک: همان: ۳۰۰) ۷۸- وعده آمرزش و پاداش بزرگ به مؤمنان صالح

تبیین مفهوم «فتح» بر اساس تحلیل مضمون سوره فتح _____ علیرضا ایمانی و همکاران

جدول (۲): مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه سوره فتح

مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱-بشارت فتح آشکار از جانب خداوند	۱-وعده قطعی فتح	نظام الهی در تحقق فتح
۲-قطعیت پیروزی		
۳-بیان حکمت و غایت فتح مبین توسط خداوند		
۴-ظهور علم الهی در پیروزی نزدیک پیامبر و مومنان		
۵-پیشگویی خداوند از کنش رفتاری کفار و عاقبت آن		
۶-تضمین شکست کافران در صورت وقوع جنگ	۲-سنت‌های الهی در فتح	
۷-سنت الهی بودن موضوعات پیشین		
۸-ثبات در سنت‌های الهی و عدم جایگزینی در آن		
۹-تحلیل و تشریح نعمت خداوند بر مومنان به عنوان سنت الهی هنگام فتح مکه		
۱۰-ممانعت الهی از جنگ در مکه برای حفظ مؤمنان پنهان		
۱۱-تبیین سنت الهی در خصوص بهره‌مندی از رحمت و چگونگی عذاب کافران		
۱۲-مالکیت انحصاری خداوند بر سپاهیان آسمان‌ها و زمین (تکرار)	۳-تجلی صفات الهی در فتح	
۱۳-ازلی و ابدی بودن علم و حکمت خداوند		
۱۴-ازلی و ابدی بودن شکست‌ناپذیری و حکمت خداوند		

		۱۵- انحصار رساندن سود و زیان به افراد توسط خداوند
		۱۶- ازلی و ابدی بودن آگاهی خداوند نسبت به اعمال بندگان
		۱۷- اختصاص مالکیت خداوند بر آسمان‌ها و زمین
		۱۸- آمرزش و عذاب بندگان به خواست الهی
		۱۹- ازلی و ابدی بودن آمرزش و مهربانی خداوند
		۲۰- ازلی و ابدی بودن احاطه علم و توانایی خداوند بر همه چیز
		۲۱- ازلی و ابدی بودن نظارت الهی به اعمال بندگان
		۲۲- ازلی و ابدی بودن علم خداوند بر همه چیز
		۲۳- کافی بودن شهادت خداوند
نقش و جایگاه پیامبر در زمینه‌سازی فتح	۴- تأیید و حمایت خداوند از پیامبر	۲۴- پوشاندن گناهان نسبت داده شده توسط مشرکین به پیامبر
		۲۵- اعلام تکمیل نعمت خداوند بر پیامبر
		۲۶- اعلام هدایت پیامبر توسط خداوند
		۲۷- تضمین نصرت عزتمندانه الهی به عنوان حکمت و غایت فتح مبین
		۲۸- تصدیق خداوند در قبال رویای پیامبر
		۲۹- بیان کیفیت خواب پیامبر

	۵- ابعاد رسالت الهی پیامبر	۳۰- تاکید بر شئون پیامبر (شاهد، بشارت‌دهنده، بیم‌دهنده) به عنوان رسول
		۳۱- ارسال پیامبر برای هدایت و پیروزی دین حق
		۳۲- پیروزدن اسلام بر همه ادیان به جهت ویژگی‌های رسالت پیامبر
	۶- ویژگی‌های جامعه مؤمن همراه پیامبر (امت‌سازی نبوی)	۳۳- تشریح سیره رفتاری و اخلاقی پیامبر و یاران‌شان همچون رحمت میان مؤمنان و شدت در برابر کفار
		۳۴- تمثیل تورات از پیامبر و یاران‌شان
		۳۵- تمثیل انجیل از پیامبر و یاران‌شان
آزمون ایمان در مسیر شکل‌گیری فتح	۷- آزمون بیعت	۳۶- بیعت با پیامبر به مثابه بیعت مستقیم با پروردگار
		۳۷- تاکید بر خشنودی خداوند از بیعت‌کنندگان
		۳۸- آگاهی خداوند نسبت به صدق نیت مومنان
		۳۹- متضرر شدن فرد پیمان‌شکن
		۴۰- بهره‌مند شدن از پاداش بزرگ برای وفاکننده به عهد
	۸- آزمون شرکت در جنگ	۴۱- خبردهی از بهانه‌جویی بادیه‌نشینان عرب
		۴۲- درخواست کردن بادیه‌نشینان برای آمرزش پیامبر
		۴۳- اعلام عدم تطابق سخن و نیت قلبی بادیه‌نشینان

		۴۴- تبیین خداوند درباره بهانه‌جویی‌های متخلفین
		۴۵- گمان متخلفین در خصوص کشته‌شدن پیامبر و مومنین
		۴۶- خبردهی از بهانه‌جویی و اعتراض متخلفین به سبب فهم اندک آن‌ها
		۴۷- طمع‌ورزی به غنائم بدون مشارکت در جهاد
		۴۸- متهم کردن مؤمنان به حسادت
		۴۹- محرومیت از غنائم اولیه
		۵۰- اتمام حجت و رفع بهانه‌جویی از متخلفین توسط خداوند
	۹- معیارهای ایمان	۵۱- وظیفه مومنین در قبال خدا و رسول (ایمان به خدا و پیامبر، یاری خداوند، بزرگداشت خداوند، تسبیح صبح و شام خداوند)
		۵۲- الزام مومنان به تقوا
		۵۳- نتیجه پاداش و عقاب در گروهی اطاعت از اوامر الهی
		۵۴- وعده پاداش در صورت اطاعت
		۵۵- تهدید به عذاب در صورت تخلف
		۵۶- رفع تکلیف جهاد از معذوران (نابینا، لنگ، بیمار)
		۵۷- بهره‌مندی معذوران از پاداش به جهت اطاعت الهی
سرانجام جبهه حق و باطل در فتح	۱۰- شیوه کنشگری جبهه کفر	۵۸- شرح تاریخی اعمال کفار در مکه (جلوگیری از ورود مؤمنان به مسجدالحرام و انجام قربانی در محل آن)

	۱۱-بشارت مومنان	۵۹- بروز حمیت و تعصب جاهلی در دل‌های کفار
		۶۰- نزول آرامش توسط خداوند در قلوب مومنان جهت افزایش ایمان آنان
		۶۱- بهشتی شدن به واسطه تقویت ایمان با سکینه الهی
		۶۲- تقابل سکینه الهی با تعصب جاهلی
		۶۳- بهشتی شدن و آمرزش گناهان توسط خداوند به مثابه کامیابی بزرگ
		۶۴- آرامش و پیروزی نزدیک، پاداش خداوند برای بیعت‌کنندگان مخلص
		۶۵- وعده غنائم فراوان به عنوان پاداش دیگر بیعت‌کنندگان مخلص
		۶۶- وعده دادن خداوند مبنی بر کسب غنائم فراوان آینده
		۶۷- تعجیل در اعطای غنیمت و بازداشت مردم (دشمنان) از تعرض به مومنان به جهت هدایت آن‌ها
		۶۸- بشارت الهی در خصوص دریافت غنیمت‌های دیگر
		۶۹- عنایات پروردگار در نزول آرامش بر پیامبر و مومنان
		۷۰- پیروزی نزدیک، پاداش خداوند برای پیامبر و مومنان
		۷۱- وعده آمرزش و پاداش بزرگ به مؤمنان صالح
	۱۲-عقوبت مخالفان (مشرکان، منافقان، کافران)	۷۲- بدگمانی به خدا؛ حکمت عذاب منافقین و مشرکین
		۷۳- خشم و لعن خداوند، کیفری برای بدگمانی منافقین و مشرکین

		۷۴- هلاک شدن به علت گمان بد به خدا و رسول
		۷۵- عدم ایمان به خداوند و رسول به منزله ورود به وادی کفر
		۷۶- تبیین جایگاه فرد کافر به خدا و رسول
		۷۷- تهدید کافران به عذاب شدید

۲-۴- تحلیل مضامین سوره فتح

در این بخش، به تحلیل مضامین و تبیین ارتباط میان آن‌ها با یکدیگر پرداخته می‌شود تا پیام اصلی سوره آشکار گردد.

۴-۲-۱- نظام الهی در تحقق فتح

سوره فتح در گستره‌ای از آیات خود، پیروزی را نه رویدادی تاریخی بلکه تجلی نظامی الهی، هدفمند و منسجم معرفی می‌کند و بنیان‌های اعتقادی آن را مشخص می‌سازد. این سوره با یک بیان الهی آشکار و قاطع آغاز می‌شود: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾ (فتح/۱). استفاده از ضمیر جمع متکلم «إِنَّا» و انتساب مستقیم فعل «فَتَحْنَا» به خداوند، تصور استقلال انسان و تدبیر او در پیروزی را کنار نهاده و پیروزی را رزق و موهبت الهی معرفی می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹: ۱۱۴؛ نیز، ن.ک: طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۸: ۲۵۲). این چارچوب الهیاتی، غرور و خودبزرگ‌بینی را از جبهه مؤمنان سلب کرده و پیروزی را به منشأ اصلی آن بازمی‌گرداند. بشارت پیروزی نزدیک (فتح/۲۷)، این وجه را تکمیل می‌کند و نشان می‌دهد که هر مرحله از مسیر، از آغاز حرکت تا تحقق نتیجه، در قبضه علم و اراده الهی است.

در کنار این قطعیت، سوره فتح بر وجه دیگری از نظام الهی تأکید می‌کند، پیروزی مؤمنان، نه بر اساس اقتضائات موقت و شرایط گذرا، بلکه بر بنیاد قوانینی استوار است که پیش از این رویداد وجود داشته‌اند و پس از آن نیز دست‌نخورده باقی خواهند ماند.

تعبیر قرآنی ﴿وَلَنْ نَجِدَ لِسِنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (فتح/۲۳)، این واقعیت را با صراحتی بی‌پرده اعلام می‌کند؛ سنت الهی نه تنها تغییرناپذیر است، بلکه اساساً در برابر هیچ نیرویی جایگزین‌پذیر نیست. آنچه این بخش از سوره را از یک اعلام کلی فراتر می‌برد، شیوه‌ای است که قرآن برای تبیین این سنت‌ها در پیش می‌گیرد. به جای آنکه به گزاره‌های انتزاعی بسنده کند، صحنه‌های مشخص تاریخی را پیش می‌کشد:

تحلیل رفتار کافران و عاقبت محتوم آن‌ها (فتح/۲۲)؛

تشریح ممانعت الهی از وقوع جنگ در مکه برای حفظ مؤمنان ناشناخته در دل دشمن (فتح/۲۴ و ۲۵)؛

تبیین اینکه رحمت و عذاب الهی چگونه و بر اساس چه منطقی توزیع می‌شوند (فتح/۲۵).

این صحنه‌ها در واقع همان سنت‌های کلی را در بستر یک رویداد واحد به نمایش می‌گذارند و نشان می‌دهند که اراده الهی چطور در شرایط معین شده عمل می‌کند. بُعد سومی که این نظام را تکمیل می‌کند، ربط ساختاری میان صفات الهی و تحقق فتح است. تکرار چشمگیر اسماء و صفاتی چون علیم (فتح/۴)، حکیم (فتح/۴، ۷ و ۱۹)، عزیز (فتح/۷ و ۱۹)، غفور (فتح/۱۴)، رحیم (همان)، بصیر (فتح/۲۴)، قدیر (فتح/۲۱) و علیم (فتح/۲۶) که اغلب ذیل همان آیاتی که از فتح و نصرت سخن می‌گویند، آمده است، بیانگر آن است که پیروزی، نه صرفاً محصول اراده، بلکه برآیند علم، قدرت و رحمت همزمان خداوند است. این الگوی تکرار، کارکردی الهیاتی دارد؛ هر صفت، وجهی از نظام فتح را روشن می‌کند و مجموع آن‌ها تصویری جامع از فاعلیت الهی در تاریخ را آشکار می‌کند.

در نتیجه، سوره فتح، یک الهیات منسجم از پیروزی را تبیین می‌نماید؛ الهیاتی که در آن قطعیت وعده، ثبات سنت و تجلی صفت، مکمل یکدیگرند و در پیوندی ناگسستنی عمل می‌کنند. از این منظر، فتح ثمره نظامی است که ریشه در اراده، علم و حکمت الهی دارد و از این‌رو از مرزهای زمان و مکان فراتر می‌رود.

۴-۲-۲- نقش و جایگاه پیامبر در زمینه سازی فتح

خداوند در سوره فتح، حمایت همه جانبه ای از پیامبر اکرم (ص) ابراز می دارد که ابعاد گوناگونی دارد. نخستین وجه این حمایت، پوشاندن گناهانی است که مشرکان به پیامبر نسبت می دادند. آیه آغازین سوره با تعبیر «لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ» (فتح/۲)، این حمایت الهی را اعلام می کند. مفسران بسیاری این «ذنوب» را، نه گناه واقعی، بلکه اتهاماتی می دانند که مشرکان بر پیامبر می بستند؛ زیرا پیامبران معصومند و آنچه خداوند می پوشاند، همان تهمت های دشمنان است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۸: ۲۵۴). در ادامه همان آیه، اتمام نعمت الهی بر پیامبر با «وَيُؤْتِمَّرُ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ» (فتح/۲)، اعلام می شود. افزون بر این، خداوند با «وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» (همان)، هدایت ویژه خود را به پیامبر اعلام می کند؛ هدایتی که هم در بعد تشریعی و هم در بعد تدبیری به ایشان عطا شده است. «وَيُنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا» (فتح/۳) نیز، لطف دیگر خداوند به پیامبر است که نصرت عزتمندانه الهی را، تضمین می کند.

علاوه بر این، سوره با تأکید بر تحقق رؤیای صادقه پیامبر، مبنی بر ورود به مسجدالحرام (فتح/۲۷)، مهر تأییدی الهی بر صدق رهبری و وعده های ایشان می زند. خداوند با تعبیر «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ» (فتح/۲۷) به صراحت رؤیای پیامبر را تصدیق می کند و با ذکر جزئیاتی چون «مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ» (همان)، واقعی بودن این رؤیا را تأیید می کند. اگرچه این رؤیا در همان سال به جهت عدم امکان جنگ (فتح/۲۵)، به وقوع نپیوست، اما سرانجام تحقق این رؤیا در سال بعد (در جریان عمره القضاء)، ایمان مؤمنان را به شدت تقویت کرد و حقانیت مسیر انتخاب شده توسط پیامبر را به اثبات رساند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹: ۱۴۴).

در کنار این حمایت الهی، سوره، شئون پیامبر به عنوان رسول را تبیین نموده و بر نقش های چندگانه و محوری پیامبر اکرم تأکید می کند، چنانکه ایشان با عناوین «شاهدًا، مبشراً و نذیراً» (فتح/۸)، معرفی می شوند که نشانگر ابعاد کامل رسالت نبوی در قبال بشریت است. شایان توجه است که خداوند در آیه ۲۸، با تعبیر «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» بر ملازمت حق بودن دین اسلام و هادی بودن پیامبر و جهان شمولی رسالت اسلام و غلبه آن بر ادیان دیگر اشاره

می‌کند که این امر، نشان‌دهنده جایگاه والای پیامبر و ظرفیت دین اسلام برای تربیت افراد و ساخت جامعه‌ای متحد بر پایه ایمان است. ارسال پیامبر ﴿بِالْهَدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ﴾ (همان) نیز، در همین آیه تصریح شده است.

وجه سومی که این مضمون را تکمیل می‌کند، تصویر جامعه‌ای است که پیامبر پیرامون خود ساخته‌اند. آیه پایانی سوره (فتح/۲۹)، ویژگی‌های امت نمونه را برمی‌شمرد. خداوند در ابتدای این آیه بیان می‌کند که اوصاف ذکرشده مختص پیامبر و کسانی که با ایشان همراه هستند، می‌باشد: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ﴾ (همان)؛ ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (همان)؛ یعنی در این جامعه، اگرچه با کفار با شدت برخورد می‌شود، ولی در درون جامعه بین مؤمنان، مهربانی و رحمت برقرار است. هویت اصلی این مؤمنان، در ارتباط مداوم با خدا تعریف می‌شود: ﴿تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجْدًا يَتَكَبَّرُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا﴾ (همان). عبادت، محور زندگی فردی و جمعی آن‌هاست و انگیزه آن‌ها نیز خالصانه و معطوف به کسب فضل و رضایت الهی است. این عبادت، تأثیری ظاهری و باطنی دارد: ﴿سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾ (همان).

در ادامه آیه، اشاره شده که تمامی این اوصاف مذکور، تمثیل تورات از پیامبر و یاران‌شان است ﴿ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ﴾ (همان). همچنین وصف ایشان در انجیل ﴿وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ﴾ (همان)، در قالب تمثیل یک بذر است: ﴿كَزْرَعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ﴾ (همان). این تمثیل، جامعه اسلامی را به مثابه یک موجود زنده توصیف می‌کند که مراحل رشد طبیعی و تدریجی را طی می‌کند: از یک جوانه کوچک و شکننده (آغاز اسلام)، به مرحله تقویت و حمایت (پیوستن یاران)، سپس به مرحله قوی‌شدن (قدرت‌گیری) و در نهایت به بلوغ، استقلال و خودکفایی (ایستادن بر پای خود) می‌رسد. این رشد شکوهمند، کشاورزان (مؤمنان) را به شگفتی واداشته ﴿يَعْجَبُ الزُّرَّاعُ﴾ (همان) و کافران را به خشم می‌آورد ﴿لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ﴾ (همان).

بنابراین سوره فتح، پیامبر را محور فعال زمینه‌سازی فتح معرفی می‌کند؛ شخصیتی که حمایت الهی پشتوانه او، رسالتی روشن و چندبُعدی پیش‌روی او و جامعه‌ای بالنده حاصل

تلاش او بود. این سه عنصر در پیوند با یکدیگر، بستری فراهم آوردند که از فتح به عنوان ثمره مسیر رسالت و نه یک رویداد ناگهانی، یاد می‌شود.

۴-۲-۳- آزمون ایمان در مسیر شکل‌گیری فتح

در بخشی از آیات سوره، نگاه، از عرصه الهی به عرصه انسانی تغییر می‌کند و نشان می‌دهد که فتح نه تنها محصول اراده و تدبیر الهی، بلکه تحقق آن در گرو گذر مؤمنان از آزمون‌هایی است که صدق ایمان را محک می‌زنند. این مضمون فراگیر بیانگر آن است که مؤمنان در مسیر شکل‌گیری فتح با آزمون‌هایی روبه‌رو شده‌اند که هریک لایه‌ای از ایمان واقعی را از ایمان ادعایی متمایز می‌سازد.

نقطه اوج این آزمون، بیعت است که در آیات ۱۰ و ۱۸ به آن اشاره شده است. این بیعت که به «بیعت تحت الشجره» (فتح/۱۸) نیز شهرت دارد، در پی شایعه کشته شدن عثمان بن عفان، فرستاده پیامبر به مکه، شکل گرفت. در آن زمان، مسلمانان در سرزمین دشمن، بدون تجهیزات جنگی کافی و در اوج آسیب‌پذیری سیاسی و نظامی قرار داشتند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۶: ۵۴-۵۶). در چنین شرایطی که همه چیز در ابهام و غیرقطعی بود، مؤمنان با پیامبر، پیمان وفاداری با عنوان «بیعت رضوان» تا پای جان بستند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۰۳؛ طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۸: ۲۸۴). خداوند متعال در تعبیری خاص، بیعت با پیامبر را به مساوات بیعت با خود معرفی می‌کند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (فتح/۱۰). این یکسان‌انگاری، این پیمان سیاسی را به یک میثاق مستقیم و معنوی با خداوند، ارتقاء می‌دهد و پیامد آن را دوگانه می‌کند، یعنی پیمان‌شکن، تنها به زیان خود عمل کرده و وفادار، پاداشی عظیم دریافت خواهد کرد (همان).

آیه ۱۸، این آزمون را از بعد دیگری تکمیل می‌کند. دلیل خشنودی خداوند از بیعت‌کنندگان زیر درخت، نه صرفاً عمل ظاهری آن‌ها، بلکه بدین دلیل بود که نیت قلبی آن‌ها را می‌دانست (فتح/۱۸)؛ این تأکید بر علم الهی نسبت به صدق نیت، نشان می‌دهد که معیار سنجش در این آزمون، نه ظاهر عمل که خلوص باطن است.

دومین بخش آزمون، شرکت در جهاد است، عرصه‌ای که تفاوت میان مؤمن راستین و منافق بهانه‌جو را آشکار می‌سازد. آیات ۱۱ تا ۱۶ به عملکرد و رفتار بادیه‌نشینان متخلف می‌پردازد. آن‌ها با استناد به مشغله مال و خانواده (فتح/۱۱)، از شرکت در جهاد سرباز زدند، اما قرآن پرده از بهانه واقعی‌شان برمی‌دارد که دلیل آن سوءظن به خدا و گمان نابودی پیامبر و مؤمنان می‌باشد (فتح/۱۲). این تحلیل نشان می‌دهد که گریز از جهاد، صرفاً یک تصمیم عملی نبوده، بلکه ریشه در ضعف ایمان و بدگمانی به وعده‌های الهی داشته است.

آیه ۱۵، لایه دیگری از این واقعیت را آشکار می‌کند؛ همین گروه که از مشارکت در جهاد، سرباز زده بودند، هنگام تقسیم غنائم، داوطلبانه پیشقدم شدند و خداوند نیز آن‌ها را از شرکت در جنگ و کسب غنائم، محروم داشت که ایشان حتی این محرومیت خود را، به حسادت مؤمنان نسبت دادند (فتح/۱۵) و این تنبیه از جانب خداوند، دقیقاً متناسب با انگیزه مادی‌گرایانه آن‌ها طراحی شده بود. با این حال، خداوند راه بازگشت را کاملاً نمی‌بندد و در آیه ۱۶ با فراخواندن آن‌ها به جهادی دشوارتر، راه بازگشت را، نه در عذرخواهی کلامی، بلکه در عمل مشخص می‌نماید و پاداش و عذاب را مستقیماً به اطاعت یا تخلف گره می‌زند (فتح/۱۶).

سومین بخش این مضمون، تبیین معیارهای ایمان راستین است که سوره در میان تبیین آزمون‌ها، آن را ترسیم می‌کند. ایمان به خداوند و رسول، یاری خداوند، بزرگداشت و تسبیح صبح و شام (فتح/۹)، الزام به تقوا (فتح/۲۶) و اطاعت از اوامر الهی (فتح/۱۷) از جمله معیارهای ایمان شمرده شده‌اند. رفع تکلیف از معذوران (نابینا، لنگ و بیمار) نیز، نشان می‌دهد که این معیارها در چارچوب عدالت الهی تعریف گردیده و توان واقعی افراد در آن‌ها لحاظ شده است (همان). چنانکه در صورت اطاعت ایشان از خدا و پیامبر، خداوند آنان را مشمول پاداش و ورود به بهشت می‌گرداند (همان).

بر این اساس، سوره فتح آزمون ایمان را بخشی از فرآیند تحقق فتح معرفی می‌کند. بیعت، جهاد و التزام به معیارهای ایمانی، سه صحنه‌ای هستند که در آن‌ها ایمان واقعی از

ادعا جدا می‌شود و همین جداسازی موجب شکل‌گیری جامعه‌ای می‌گردد که شایستگی دستیابی به فتح را دارد.

۴-۲-۴- سرانجام جبهه حق و باطل در فتح

سوره فتح در بخش قابل توجهی از آیات خود، تصویری متقابل از سرانجام کنشگران صحنه فتح ارائه می‌دهد و یک نظام دقیق پاداش و کیفر را ترسیم می‌کند که بر مبنای عملکرد افراد، به ایشان داده می‌شود؛ در یک سو، جبهه کفر قرار دارد که در برابر پیامبر و مؤمنان ایستادگی کرده و در سوی دیگر، جبهه ایمان که با صدق و اخلاص در این مسیر گام نهاده است.

نخستین وجه این تصویر، شیوه کنشگری جبهه کفر است؛ کنشگری‌ای که در دو مرحله متوالی نمایان می‌شود. در مرحله نخست، کفار با اقدامی عملی و آشکار، راه ورود مؤمنان به مسجدالحرام را بستند و نگذاشتند قربانی‌های همراه ایشان به محل خود برسند (فتح/۲۵). این اقدام صرفاً گزارشی تاریخی نیست، بلکه ریشه‌های تقابل را نشان می‌دهد و بیانگر آن است که جبهه کفر، مقاومت خود را در حساس‌ترین نقطه ممکن، یعنی حریم معنوی مسجدالحرام، متمرکز کرده بود. در مرحله دوم، این کنشگری از سطح عمل به نیت درونی منتقل می‌شود؛ آیه ۲۶ وضعیت این کافران را با تعبیر «حُمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ» (فتح/۲۶) توصیف می‌کند؛ تعصبی جاهلی که قلوبشان را پر کرده و آن‌ها را از پذیرش حق باز داشته بود. این دو مرحله در کنار هم، شیوه مقابله جبهه کفر را، نشان می‌دهد که هم در کنش بیرونی و هم در ایستادگی درونی، تداوم می‌یابد.

در برابر این الگو، وجه دوم مضمون، بشارت مؤمنان را در بر می‌گیرد؛ بشارتی که با موهبتی درونی آغاز می‌شود و در پاداش‌هایی بیرونی تداوم می‌یابد. در پاسخ به همان حمیت جاهلی کافران، خداوند سکینه‌اش را بر پیامبر و مؤمنان نازل کرد (فتح/۲۶)، سکینه‌ای که در آیه ۴ نیز با صراحت بیشتری معرفی شده: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزْذَوْا إِيْمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ». حکمت این نزول، افزودن ایمان بر ایمان

است؛ یعنی سکینه، نه صرف یک آرامش ساده، بلکه نیرویی پویا و تثبیت‌کننده است که ایمان مؤمنان را در اوج فشار بیرونی، علاوه بر حفظ، تعمیق می‌کند (همان). این آرامش درونی، خود مقدمه‌ای بر بشارت‌های متعدد دیگر می‌شود. در سطح معنوی، ورود به بهشت و آمرزش گناهان به‌عنوان «فَوْزًا عَظِيمًا»، معرفی شده (فتح/۵) و در سطح مادی، وعده غنائم فراوان هم آنچه بلافاصله دریافت شد و هم آنچه در آینده وعده داده شده، به بیعت‌کنندگان مخلص تعلق می‌گیرد (فتح/۱۹ و ۲۰). در ادامه این موهبت را، با شتاب بخشیدن در اعطای آن و بازداشتن دست دشمنان از مؤمنان «وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ» (فتح/۲۰) همراه می‌سازد. همچنین آیه ۲۱، افقی فراتر از پاداش‌های حاضر می‌گشاید و از پیروزی‌هایی خبر می‌دهد که هنوز در دسترس نیستند، اما خداوند بر آن‌ها احاطه دارد (فتح/۲۱). افزون بر این موارد، خداوند در آیه «فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا» (فتح/۲۷)، از پیروزی نزدیک برای پیامبر و مؤمنان خبر می‌دهد. این سلسله بشارت‌ها در پایان سوره به اوج خود می‌رسد، آنجا که خداوند برای مؤمنان صالح، آمرزش و پاداش بزرگ را وعده می‌دهد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح/۲۹). در مقابل این بشارت، وجه سوم مضمون، عقوبت مخالفان را به تصویر می‌کشد و رنگی متضاد بر این صحنه می‌افزاید. سوره منافقان و مشرکان را با وصف «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظُلُّ السُّوءِ» معرفی می‌کند (فتح/۶)؛ بدگمانانی که گمان می‌بردند خدا پیامبر و مؤمنان را یاری نخواهد کرد. این بدگمانی، هم منشأ نفاق و هم دلیل هلاکت آن‌هاست (فتح/۱۲). کیفر منافقان و مشرکان در آیه ۶ چند لایه و با شدتی مضاعف بیان می‌شود و شامل پیشامدهای بد دنیا «عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ»، غضب خداوند «وَعَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ»، لعنت او بر ایشان «وَلَعْنَهُمْ» و آماده‌سازی جهنم برای آنان «وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ» است (فتح/۶). کافران نیز از این عقوبت بی‌نصیب نمانده‌اند؛ آیه ۱۳ با صراحت اعلام می‌کند که هرکس به خدا و رسول ایمان نیاورد، در وادی کفر قدم گذاشته و آتشی سوزان در انتظار اوست. به‌طور کلی، سوره فتح تقابل حق و باطل را در قالب عملکرد و سرانجام این دو جبهه، تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که سرانجام جبهه حق و باطل، نتیجه مستقیم نگرش هریک

نسبت به خداوند است؛ کنشگری مستمر جبهه کفر، چه در عمل و چه به عنوان نیت درونی، در برابر ایمان مؤمنان قرار می‌گیرد و این تقابل با بشارت مؤمنان و عقوبت مخالفان تکمیل می‌شود؛ تصویری که در آن فتح، نه تنها پیروزی نظامی، بلکه داوری الهی میان دو جبهه است.

نمودار (۱): مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده در سوره فتح



۵- نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که:

۱- «فتح» در سوره فتح، نه یک پیروزی ناگهانی بلکه ناظر به یک فرآیند با ویژگی‌های مختلف است که بنیان آن الهی است. خداوند، سوره را با وعده قطعی فتح، آغاز می‌کند و به تبیین سنت‌های خود در خصوص آن می‌پردازد. همچنین در بخش‌های انتهایی آیات مختلف، تجلی صفات الهی مرتبط با هر بُعد از فتح، دیده می‌شود. در ادامه، خداوندی که فتح از جانب اوست، ارسال پیامبری توسط خود و حمایت از ایشان را اعلام نموده و ابعاد رسالت نبوی را بیان می‌نماید؛ چرا که زمینه‌سازی فتح با تربیت امتی مؤمن و همراه صورت می‌گیرد که این مهم، بر عهده پیامبر است؛ در همین راستا در آیه انتهایی سوره، سیره رفتاری و اخلاقی پیامبر و یاران‌شان تشریح شده است. سپس در روند وقوع وعده فتح، جامعه مخاطب پیامبر، توسط خداوند به وسیله بیعت آزموده شده و ایمان‌شان بر اساس اطاعت از اوامر الهی سنجیده می‌شود، تا مؤمنان و مخالفان آنان، از یکدیگر متمایز شوند. در پایان، سرانجام هر دو جبهه حق و باطل، مشخص می‌گردد و مؤمنان به فتح و پادشاه‌های مادی و معنوی، از جانب خداوند بشارت داده می‌شوند و در جبهه مقابل، عقوبت الهی در انتظار مخالفان اعم از مشرکان، کافران و منافقان است.

۲- مجموع این یافته‌ها، حول مضمون محوری «فتح به مثابه سنت الهی تربیت و تمایز مؤمنان از مخالفان»، سازمان می‌یابد. بر این اساس، سوره فتح، «فتح» را به مثابه سنت الهی تعریف می‌کند که در قالب یک فرآیند، به واسطه رسالت نبوی، جامعه مؤمنان را از طریق آزمون‌های مختلف، از جامعه مخالفان، متمایز می‌کند و مؤمنان در کنار پیامبر و در مسیر الهی، قرار گرفته و شایسته دریافت وعده فتح خداوند می‌شوند. به عبارت دیگر، فتح نه رویدادی ناگهانی بلکه دارای مقدماتی تربیتی برای تمایز جبهه حق از باطل است. بدین ترتیب، «فتح» در این سوره، نه به عنوان نقطه پایانی یک نبرد یا رویدادی تاریخی، بلکه به عنوان یک فرآیند تربیتی-ایمانی معرفی می‌شود که جامعه مؤمنان با همراهی پیامبر، گام‌به‌گام به سوی آن رهنمون می‌گردد. این تبیین از فتح، محصول شبکه به هم پیوسته

مضامین سوره است که از رهگذر تحلیل مضمون به دست آمده است. بر این اساس، تحلیل مضمون نشان داد که هریک از مضامین استخراج شده، تنها در ارتباط با سایر مضامین، معنای کامل خود را می یابد و در نهایت، تصویری منسجم از مفهوم «فتح» در سطح کل سوره شکل می گیرد.

۳- از این جهت، یافته های پژوهش حاضر در عین همسویی با مطالعات پیشین سوره فتح، از حیث مسأله، روش و رویکرد، با آن ها تفاوت دارد؛ زیرا پژوهش های معناشناختی، عمدتاً بر معنای واژه «فتح» متمرکز بوده و مطالعات تفسیر ساختاری نیز به انسجام و غرض کلی سوره پرداخته اند؛ در حالیکه این پژوهش با بهره گیری از روش تحلیل مضمون و رویکردی استقرایی، نشان می دهد چگونه سازمان یافتگی مضامین سوره و روابط میان آن ها، به تبیین مفهوم «فتح» می انجامد. بنابراین، سهم تفسیری این پژوهش، نه ارائه معنایی جدید برای واژه «فتح» و نه اثبات غرض یا انسجام سوره، بلکه ارائه تبیینی از مفهوم «فتح» بر پایه کشف روابط میان مضامین سوره است؛ تبیینی که جایگاه این مفهوم را در ساختار معنایی سوره، روشن تر می سازد و ظرفیت روش تحلیل مضمون را برای مطالعه مفاهیم محوری دیگر سوره های قرآن نیز نشان می دهد.

۶- پی نوشت ها

- 1- Reflexive Thematic Analysis.
- 2- Braun.
- 3- Clarke.
- 4- Attiride-Stirling.

۷- منابع

*قرآن کریم

- ۱- ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، بیروت- لبنان، دار صادر، (۱۳۸۵ق).
- ۲- ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، (۱۴۰۴ق).

- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت- لبنان، دار صادر، (۱۴۱۴ق).
- ۴- بختیاری، علی، «تحلیل موضوعی- مضمونی معاهدات در سوره توبه»، فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش، ۱۴ (شماره ۴۸- زمستان ۱۴۰۰)، ۸۱-۱۰۶، (۱۴۰۰ش).
- ۵- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، *آیات فتح و دعای نصر؛ توصیه رهبر انقلاب برای پیروزی جبهه مقاومت*، (۲۹ آبان ۱۴۰۳ش)، برگرفته از: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=58343>.
- ۶- تیموری، محمد؛ آرام، محمدرضا؛ رضوی، سید محمد، «گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، ۷ (۳)، ۳۷-۱، (۱۴۰۲ش).
- ۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، دمشق بیروت، دار القلم، الدار الشامیة، (۱۴۱۲ق).
- ۸- زارع زردینی، احمد؛ صحرایی اردکانی، کمال؛ جنتی فیروزآبادی، صدیقه، «ساختارشناسی سوره مبارکه فتح در پرتو بلاغت سامی با تأکید بر تقسیم قرآن به ۵۵۵ واحد موضوعی (رکوعات)»، *پژوهش های زبان‌شناختی قرآن*، ۱۰ (۱)، ۱-۱۸، (۱۴۰۰ش).
- ۹- زرکشی، محمد بن بهادر، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد أبو الفضل إبراهیم، بیروت- لبنان، دار إحياء الكتب العربية و دار المعرفة، (۱۳۷۶ق).
- ۱۰- طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت - لبنان، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، (۱۳۹۳ش).
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح هاشم رسولی و فضل الله یزدی طباطبائی، مقدمه محمدجواد بلاغی، محسن امین و احمد رضا، بیروت- لبنان، دار المعرفة، (۱۴۰۸ق).
- ۱۲- طبری، ابو جعفر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت- لبنان، دار المعرفة، (۱۴۱۲ق).
- ۱۳- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح احمد حبیب عاملی، مقدمه محمد محسن آقابزرگ تهرانی، لبنان-بیروت، دار إحياء التراث العربی، (بی تا).

- ۱۴- عترت دوست، محمد؛ امیری فر، سحر، «ترسیم شبکه مضامین و تناسب آیات سوره عنکبوت با استفاده از روش تحلیل مضمون»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۱(۲)، ۱۴۵-۱۶۲، (۱۴۰۲ش).
- ۱۵- عترت دوست، محمد؛ زاهد، رقیه، «کاربست روش تحلیل مضمون برای فهم موضوعات قرآنی در فرهنگ اسلامی (مطالعه موردی شبکه مضامین سوره انبیاء)»، دین و ارتباطات (نامه صادق)، ۳۰(۱)، ۵۳-۸۰، (۱۴۰۲ش).
- ۱۶- فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، لبنان-بیروت، دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۱۷- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، هجرت، (۱۴۰۹ق).
- ۱۸- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تصحیح حسین اعلمی، تهران، مکتبه الصدر، (۱۴۱۵ق).
- ۱۹- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، (۱۳۸۸ش).
- ۲۰- محمص، مرضیه؛ میروکیلی، فاطمه سادات، «مؤلفه‌های همبستگی اجتماعی با تأکید بر تحلیل مضمون سوره آل عمران»، پژوهش های اجتماعی اسلامی، ۲۸(۱۲۵)، ۱۵۷-۱۸۴، (۱۴۰۱ش).
- ۲۱- محمدزاده شهرآبادی، فریده؛ زرسازان، عاطفه، «غرض سوره فتح با تأکید بر تحلیل واژگان کلیدی سوره»، مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی، ۵(۴)، (۱۴۰۰ش).
- ۲۲- محمدزاده شهرآبادی، فریده؛ زرسازان، عاطفه؛ معارف، مجید و عربی، نسیم، «تحلیل معناشناختی واژه فتح در قرآن کریم با تکیه بر سوره فتح»، کتاب قیم، ۱۰(۲۳)، ۷-۳۲، (۱۳۹۹ش).
- ۲۳- ملاشفیعی، بتول؛ بهجت پور، عبدالکریم؛ ناصحی، محمد، «آسیب‌شناسی دوستی با کفار در جامعه اسلامی و راه‌های برون‌رفت آن بر اساس سوره ممتحنه با روش تحلیل مضمون»، سیاست متعالیه، ۹(۳۲)، ۲۵-۴۲، (۱۴۰۰ش).

۲۴- نریمانی، زهره؛ فیروزمندی بندپی، جعفر، «بازخوانی پیام و دلالت سوره فتح و ارتباط آن با ولایت امیرالمؤمنین»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۰(۲)، ۲۲۱-۲۳۶، (۱۴۰۱ش).

25-Attride-Stirling, J., "Thematic networks: An analytic tool for qualitative research", *Qualitative Research*, 1(3), 385-405, (2001).

26-Braun, V.; Clarke, V., "Using thematic analysis in psychology". *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101, (2006).

27-_____, *Thematic analysis: A practical guide to understanding and doing*, New York, SAGE Publications, (2022).